

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، موفقیت شغلی.

این تحقیق با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی مدیران مدارس متوسطه و هنرستان‌ها و موفقیت شغلی آن‌ها در شهر اصفهان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی مدیران با موفقیت شغلی آنان ارتباطی معنی‌دار وجود دارد. بدین مفهوم که مدیرانی که هوشی هیجانی با میانگین ۸۵/۶۳ و ۱۰۴/۷ دارند، به ترتیب از رضایت شغلی و روابط انسانی برخوردارند.

نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که بین مؤلفه شناخت احساسات خود در مدیران و نیز مؤلفه مدیریت احساسات مدیران و موفقیت شغلی آن‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. بدین مفهوم که مدیرانی که از احساسات خود شناخت دارند و احساساتشان را نسبت به بقیه بیشتر مدیریت می‌کنند رضایت شغلی و روابط انسانی بیشتری دارند.

پژوهشگری در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین هوش هیجانی و موفقیت شغلی و همچنین بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با رضایت شغلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نیز بین مهارت روابط انسانی با مؤلفه‌های هوش هیجانی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به نظر می‌رسد علت ارتباط هوش هیجانی و دو مؤلفه شناخت احساسات و مدیریت احساسات با موفقیت شغلی این باشد که مدیرانی که از نظر این عوامل از بقیه نمره بالاتری گرفته‌اند به دلیل این که بهتر از بقیه می‌توانند احساسات خود را به موقع بشناسند و کنترل کنند، بهتر می‌توانند در روابط اجتماعی خود موفق باشند و با دیگران بهتر کنار می‌آیند. بنابراین، رضایت شغلی و روابط انسانی بیشتر تری دارند.

## ارتباط هوش هیجانی مدیران مدارس شهر اصفهان با موفقیت شغلی آن‌ها

اعظم خراسانی فردوانی \* دکتر اصغر آقایی \*

\* دکتر اکبر اعتباریان \*

همچنین نتیجه این تحقیق نشان داد که بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های موفقیت شغلی کارکنان مرد و زن به جز مهارت آن‌ها در زمینه فناوری تفاوتی وجود ندارد.

بعضی شواهد تجربی، هوش مردان را بیش‌تر از زنان توجیه می‌کند اما درباره هوش هیجانی تأثیر تفاوت‌های جنسی می‌تواند متغیر باشد و وابسته به فرهنگ است. بنابراین خانواده‌گی و قومی باعث می‌شود که نتوانیم درباره

اختلاف هوش مرد و زن نتیجه



قطعی

ذکر کنیم.

با وجود

این‌که مردان

در هوش تحلیلی

و منطقی قوی‌تر از

زنان و زنان در هوش

هیجانی و شهودی قوی‌تر از مردان

هستند، در این تحقیق نتیجه گرفته شد

که جنسیت در هوش هیجانی و موفقیت

شغلی مدیران تأثیری ندارد. به نظر

می‌رسد که علت یکسانی زنان و مردان

در هوش هیجانی و موفقیت شغلی آن‌ها محیط کاری

آنان باشد، چون در جامعه آماری تحقیق حاضر زنان و

مردان در یک محیط آموزشی فعالیت می‌کردند و

موقعیت‌ها و فرصت‌ها برای هر دو یکسان بود؛ هر دو با

جنس موافق خود همکار بودند و جنسیت کارمندان و

دانش‌آموزان با مدیر مربوطه همگن بود. امید است که

آموزش و پرورش و همه سازمان‌ها به اهمیت هوش

هیجانی و روابط دوستانه با یکدیگر پی ببرند و مدیریت

سازمان‌ها را بر پایه هوش هیجانی استوار سازند. \*



مردان و زنان

